

## دلایل حمایت جمهوری اسلامی ایران از ملت‌های مظلوم جهان

احمدعلی قانع<sup>۱</sup>

### چکیده

در طول تاریخ بشر همیشه ستمکاران و ستم دیدگانی بوده و هستند و در تعالیم الهی پیامبران (علیهم‌السلام)، امر به کمک و حمایت از مظلوم و مقابله با ظالم و ستمگر و طاغوت به عنوان اصل اساسی حرکت دعوت پیامبران (علیهم‌السلام) شناخته شده است. ضرب المثل چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است یا به ما چه ربطی دارد و امثال آن از اعتبار لازم برخوردار نبوده؛ بلکه احادیث اسلامی، بنی آدم را همه اعضای یک پیکر می‌داند. پژوهش پیش‌رو با بازخوانی برخی از آیات و روایات، همچون آیه اذن به جهاد برای مظلومان و قاعده فقهی تعظیم شعائر و نفی سبیل و حدیث مشهور وجوب اهتمام به امور دیگران، درصدد اثبات این معنا است که حمایت و دفاع جمهوری اسلامی ایران از ملت‌های مظلوم دنیا و از جمله کشورهای اسلامی مورد تجاوز و ستم مستکبران و تروریست‌ها قرار گرفته، از چه پشتوانه‌های فقهی و شرعی، برخوردار است.

### واژه‌های کلیدی

جمهوری اسلامی ایران، ملل مظلوم جهان، همکاری و حمایت، دفاع از مظلوم، اهتمام به امر انسان‌ها

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

بند شانزدهم اصل سوم از اصول کلی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در تبیین وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران، تصریح می‌دارد که «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم همه امکانات خود را برای امور زیر به کاربرد ۱۶ تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان» و چه بسا بتوان آن را مصداق حقوقی بیان شریفه قرآن کریم دانست که می‌فرماید: «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند؛ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند بی‌آنکه او را ببینند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است!»<sup>۱</sup>

بیان گذشته به اجمال، پاسخگوی این پرسش است که آیا حکومت اسلامی دارای یک مسئولیت فرا ملی و جهانی است و باید در جهت تحقق اهداف ایدئولوژیک خود و نیز حمایت‌های بشر دوستانه حرکت کند یا اینکه اقداماتش منحصر به مرز جغرافیایی اوست؟ اما در پاسخ تفصیلی این مسأله اختلافاتی میان اندیشمندان بروز کرده است، آنچنان که عده‌ای در این بین سیاست حکومت اسلامی را حفظ تمامیت ارضی و تأمین حکومت ملی دانسته و تحقق این هدف را مطابق عرف جهانی قلمداد نموده‌اند (سریع‌القلم، ۱۳۷۹: ۵۲) و بدین‌وسیله نگاهی رئالیستی به موضوع بحث داشته‌اند و عده‌ای دیگر تنها از حیثیتی بودن مفهوم سرزمین صحبت نموده (ایزدی، ۱۳۷۷: ۱۴۴) و در نتیجه از مفهوم مرز در اسلام بحث نموده‌اند.

در عین حال گروهی دیگر معتقدند «براساس آموزه‌ها و تعالیم دین مبین اسلام، همه مسلمانان امتی واحد را تشکیل می‌دهند و اسلام مرزهای جغرافیایی و ملی که

۱. «لقد أرسلنا رسلنا بالبینات و أنزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط و أنزلنا الحديد فيه بأس شديد و منافع للناس و ليعلم الله من ينصره و رسله بالغیب إن الله قوی عزیز» (حدید/۲۵)

امروزه مسلمانان را تقسیم کرده به عنوان حکم ثانویه می‌پذیرد، ولی به تدریج آنان باید در قالب یک امت یکپارچه متشکل و متحد گردند؛ بدین‌رو جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام اسلامی مکلف و موظف به پیگیری و تأمین این هدف راهبردی در سیاست خارجی و عرصه بین‌المللی است» (دهقانی، ۱۳۸۸: ۱۶۷-۱۶۶). عمید زنجانی، تمامیت ارضی موضوع اصل نهم قانون اساسی و سایر اصول قانون را یکسان در نظر گرفته، می‌گوید: «تمامیت ارضی کشور اسلامی به معنی تثبیت مرزهای جغرافیایی به مفهوم تفکیک ارضی ملت‌ها نیست؛ زیرا مرز و قلمرو خاکی را نمی‌توان به‌عنوان ممیزی در تفرقه و گروه بندی انسان‌ها بکار گرفت» (عمید زنجانی، ۱۳۸۷: ۸۱).

اکنون با تکیه بر پاسخ اجمالی پیش گفته و با لحاظ اختلاف نظر موجود، تبیین خط مشی و دلائل حمایت جمهوری اسلامی ایران از ملت‌های مظلوم جهان، ضرورتی است که پژوهش پیش‌رو را به پاسخ واداشته است.

## ۲. روش تحقیق

روش پژوهش در این جستار فقهی، همانند دیگر پژوهش‌های فقهی، توصیفی - تحلیلی است و از شیوه اجتهادی فقهاء بهره می‌گیرد به این معنا که از ادله چهارگانه اجتهادی (کتاب، سنت، اجماع و عقل) استفاده کرده و مفاد آنها را برای رسیدن به حکم شرعی بکار گرفته است.

## ۳. پیشینه تحقیق

جستجوی مختصر پیرامون عنوان این پژوهش، گواه فقدان پژوهش قابل ملاحظه‌ای در این خصوص است، اگرچه پیرامون مبانی بحث، دستیابی به کتب قواعد فقهی و فقهی فراوانی، سهل الوصول می‌نماید.

## ۴. ادله فقهی حمایت از کشورهای مسلمان مظلوم

ادله فقهی حمایت حکومت اسلامی از کشورهای مسلمان را می‌توان در سه گروه دسته‌بندی نمود؛ دسته اول، ادله حمایت نظامی از کشورهای اسلامی است. دسته دوم

ادله حمایت مالی از این کشورها است و دسته سوم ادله‌ای است که دلالت بر مطلق حمایت از این کشورها می‌کند؛ بدین ترتیب ادله حمایت در سه بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۴-۱. ادله فقهی حمایت نظامی

یکی از دلایل آیه ۳۹ سوره مبارکه حج است. خداوند می‌فرماید: «أذن للذين يقاتلون بأنهم ظلموا وإن الله على نصرهم لقدير<sup>۱</sup>» اگرچه ظاهر آیه در مقام بیان اذن به مظلوم جهت قیام و مقابله در دفاع از خود است، اما با قرار دادن آن در کنار اصل قرآنی لزوم تعاون بر بر و تقوا که مفاد آیه «... و تعاونوا على البر و التقوى...» (مائده/۲) است، حمایت نظامی از مظلوم مورد تأیید و بلکه مأمور به خواهد بود.

آیه ۷۵ سوره مبارکه نساء، دلیل قرآنی دیگری است که می‌تواند در این زمینه مورد استناد قرار گیرد. خداوند می‌فرماید: «و ما لكم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان الذین یقولون ربنا أخرجنا من هذه القرية الظالم أهلها و اجعل لنا من لدنک ولیا و اجعل لنا من لدنک نصیراً<sup>۲</sup>» به نظر می‌رسد در این آیه خداوند کسانی غیر از مظلومان و در معرض ستم قرارگرفتگان را مورد خطاب قرار می‌دهد و لذا مشکل استدلال آیه قبل را ندارد.

علاوه بر دلایل قرآنی، از سنت معصوم نیز روایاتی بر وجوب حمایت از مظلوم وجود دارد، از جمله سخن مولی امیرالمؤمنین (علیه السلام) خطاب به امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) است که می‌فرمایند: «کونا للظالم خصما و للمظلوم عوناً» (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۳۶۲)؛ یعنی دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید. این گفتار به روشنی بر لزوم حمایت از مظلوم و مقابله با ظالم تصریح دارد و قیدی ظالم یا مظلوم را مقید نمی‌سازد؛ یعنی

۱. «به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند و خدا بر یاری آنها تواناست.»

۲. «چرا در راه خدا، و در راه مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد (ستم دیده‌ای) که می‌گویند: «پروردگارا! ما را از این شهر (مکه)، که اهلش ستمگرند، بیرون ببر! و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده!» و از جانب خود، یار و یآوری برای ما تعیین فرما!»

دین و مذهب ظالم و مظلوم، ملیت یا قومیت او هیچ‌کدام در اصل لزوم این حمایت و مقابله تأثیری ندارد.

#### ۴-۲. لزوم حفظ بیضه (اساس) اسلام

اگر کیان اسلام مورد خطر قرار گیرد، بر تمامی مسلمانان واجب است که در حفظ و صیانت از آن اقدام نمایند. اهمیت این واجب الهی تا آنجایی است که حتی فقهای شیعه در هنگام تراحم این واجب با واجبات دیگر، حکم به تقدم آن نموده‌اند و حتی بر زنان نیز آن را واجب می‌دانند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۸-۱۹؛ نائینی، ۱۳۷۶، ج ۱، ۳۳۵) و در حالی که به‌طور عموم همراهی جائز در فقه امامیه امری مذموم و حرام شمرده می‌شود. برخی از ایشان، معتقدند: حفظ اساس اسلام، تا بدان حد ضروری است که تلازم آن با همراهی حاکم جائز (شهید اول، ۱۴۱۷، ج ۲: ۳۰)؛ مانع از مقتضای مصلحت ملزمه حکم مذکور نخواهد بود؛ بدین‌رو امتثال آن بر وجوب خویش باقی خواهد ماند.

مستند این حکم، روایتی است که در پاسخ به سؤالات یونس بن عبدالرحمن از امام رضا (علیه‌السلام) آمده است. یونس از امام (علیه‌السلام) در مورد مردی سؤال می‌کند که در دستگاه جائز خدمت و مرزبانی می‌کند و در هنگام مرگ وصیت نموده که از دارایی‌اش یک اسب، هزار درهم و یک شمشیر به کسی داده شود تا در یکی از مرزها بجنگد. پس از آن، وصی به وصیت عمل نموده یک اسب، هزار درهم و یک شمشیر را به یکی از شیعیان شما می‌دهد. امام (علیه‌السلام) می‌فرماید: باید تمام آنها را به وصی باز گرداند؛ چرا که وقت آن هنوز فرا نرسیده است. در ادامه یونس از امام (علیه‌السلام) می‌پرسد که اگر وصی را نمی‌شناخته و پرس و جو هم نموده ولی به او دست پیدا نکرده چه باید بکند؟ امام (علیه‌السلام) می‌فرماید: باید در مرز به عنوان مرابطه (مرزبانی) خدمت کند و نباید بجنگد. در نهایت وی از امام (علیه‌السلام) سؤال می‌کند که اگر در هنگام مرزبانی دشمن به آنجا حمله کرده و نزدیک است که او را بکشد، آیا جایز است که بجنگد؟ امام (علیه‌السلام) پاسخ می‌دهند که باید بجنگد، اما نه برای حاکمان جور بلکه برای دفاع از کیان اسلام؛ زیرا کفار قصد نابود کردن کیان اسلام را دارند و اگر به

❖ هدف خود برسند ذکر محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از بین خواهد رفت (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۳۲-۳۳).

توجه به متن روایت، کاشف از وجوب حفظ کیان اسلام، به‌رغم حاکمیت جور است، حال چنانچه امثال این امر، مستلزم معونت مظلوم و حمایت از او نیز باشد، دلیل فوق از باب وجوب عقلی مقدمه واجب، دلیل بر حمایت مظلوم نیز خواهد بود، این بیان با توجه به رویکردهای جدید تقدس‌زدایی از احکام و ارزش‌های اسلامی که جنبه‌های نظامی نیز به خود گرفته است، از جایگاه ویژه برخوردار می‌شود؛ چراکه مطابق فرمایش رهبر معظم انقلاب اسلامی هدف از اقدامات کشورهای سلطه‌گر در منطقه مقابله با ارزش‌های اسلامی معرفی شده است.

ایشان در سخنرانی خود به تاریخ ۱۳۹۵/۵/۱۱ چنین فرموده‌اند: «در قضایای اخیر ترکیه اتهامی قوی وجود دارد که کودتا با تدابیر و تدارک امریکایی‌ها انجام شده که اگر این مسئله ثابت شود رسوایی بزرگی برای امریکایی‌ها خواهد بود. ترکیه کشوری بود که روابط خوبی با امریکا داشت و می‌گفت متحد منطقه‌ای امریکا است؛ {اما} حتی با ترکیه هم حاضر نیستند {بسازند}؛ چون یک گرایش اسلامی آنجا وجود دارد؛ و امریکایی‌ها با اسلام مخالف‌اند، با گرایش اسلامی مخالف‌اند، بنابراین آنجا هم حتی کودتا راه می‌اندازند» (کیهان، سال ۱۳۷۵، شماره ۲۱۴۰۵).

به هر حال مسلم است که از سویی حفظ کیان اسلام بر همه مسلمانان واجب است و از سوی دیگر می‌دانیم که خطر نفوذ کشورهای سلطه‌گر تاحدی است که اگر با آن مقابله نشود، می‌تواند به زودی تمامی کشورهای مسلمان را با چالشی فراگیر، درگیر ساخته و لذا کیان اسلام را با خطری اساسی مواجه سازد و از این جهت کشورهای اسلامی که خود مصداقی از مظلومان جهان به‌شمار می‌روند، از طرفی موضوع امر به معونت مظلوم خواهند بود و از طرفی هتک اساس جوامع اسلامی نیز مقدمه‌ای بر هتک کیان اسلام می‌گردد و باید توجه داشت که بر اساس این استدلال نیازی نیست که بالفعل کیان اسلام سست شده باشد تا آن زمان، حفظ آن واجب باشد، بلکه همین که خطر متوجه کیان اسلام گردید و گروهی شروع به اقدام و فعالیت برای نابودی آن کردند، گرچه هنوز خطر ایشان به آن درجه نرسیده که

هدفشان به فعلیت برسد، باید با آن مقابله کرد. پس حفظ کیان اسلام واجب است و در حال حاضر مقدمه این واجب، حمایت از کشورهای منطقه است و از آنجا که عقلا مقدمه هر واجبی واجب است، این مقدمه نیز متصف به وجوب می‌گردد؛ بنابراین علاوه بر دلیل روایی عامی که دال بر وجوب کمک به مظلوم بود، از باب مقدمه واجب نیز کمک به کشورهای مظلوم مسلمان عقلا واجب خواهد بود.

#### ۴-۳. لزوم حمایت مالی جهت تالیف قلوب

یکی از مواردی که می‌تواند دلیلی بر ضرورت حمایت مالی از کشورهای اسلامی باشد، اصل تالیف قلوب است. خداوند متعال در هنگام ذکر مستحقین زکات، یکی از مستحقین را «مولفه القلوب» بر می‌شمرد. در آیه ۶۰ سوره مبارکه توبه آمده است: «إنما الصدقات للفقراء و المساکین و العاملین علیہا و المؤلفه قلوبہم و فی الرقاب و الغارمین و فی سبیل اللہ و ابن السبیل فریضه من اللہ و اللہ علیم حکیم<sup>۱</sup>» که مطابق منطوق شریفه، یکی از موارد صرف زکات، مصرف آن در تالیف قلوب است.

با این وجود و علی رغم عموم ازمانی آیه، برخی از روی انکار صرف زکات در تالیف قلوب وارد شده و حکم به عدم جواز آن داده‌اند و این مساله را اسباب اختلاف نظر در بین فقها نموده‌اند که آیا برای تالیف قلوب در زمان غیبت موردی وجود دارد و یا اینکه این مورد مخصوص زمان پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و حداکثر زمان حضور ائمه (علیهم‌السلام) می‌باشد. در بین فقها دو قول در مسئله وجود دارد.

گروهی از فقها معتقدند سهم مولفه با رحلت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ساقط شده است. (طوسی، ۱۴۰۷ الف، ج ۴: ۲۳۳؛ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲: ۶؛ ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸: ۱۲۸؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۱۵۰) در مقابل، مشهور فقها قائل هستند به اینکه در زمان غیبت امام (علیه‌السلام) نیز تالیف قلوب وجود دارد (حلی، ۱۴۱۲، ج ۸: ۳۴۴؛ عاملی، ۱۴۱۱، ج ۵: ۲۱۵؛ سبزواری، ۱۲۴۷، ج ۲: ۴۵۴؛ نراقی، ۱۴۱۵، ج ۹: ۲۷۶؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۱۱: ۱۹۷؛ خمینی، بی‌تا، ج ۱: ۳۳۶).

---

۱. «زکات‌ها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع آوری) آن زحمت می‌کشند، و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می‌شود، و برای (آزادی) بردگان، و (ادای دین) بدهکاران، و در راه تقویت آیین) خدا و واماندگان در راه. این، یک فریضه (مهم) الهی است و خداوند دانا و حکیم است.»

مستند قول شیخ طوسی و پیروان او این است که سهم مولفه القلوب را منحصر در زمانی نموده‌اند که جهاد ابتدائی جایز است؛ به این بیان که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مال را بدین جهت به آنان اعطا می‌کردند که جهاد کنند و چون جهاد ابتدائی مختص زمان حضور امام (علیه‌السلام) است پس با عدم حضور امام (علیه‌السلام) سهمی برای مولفه القلوب باقی نمی‌ماند (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۴۹). اما از آنجاکه آیه عموم مصادیق جهاد اعم از دفاعی و ابتدائی را شامل می‌شود و به نظر مشهور فقها جهاد دفاعی همچنان به حال خود باقی است، پس این سهم نیز به جای خود باقی می‌ماند (حلی، ۱۴۱۲، ج ۸: ۳۴۴). ضمن اینکه مقتضای عموم ازمانی آیه و استصحاب جواز مصرف زکات در تالیف قلوب نیز دلیل بر جواز آن در عصر غیبت است؛ بنابراین نه تنها مصرف زکات در تالیف قلوب جایز است بلکه بر شمولیت خود نسبت به مسلمان و کافر نیز باقی است.

البته این نظر در میان فقیهان امامی نیز مورد تایید بوده است، آنگونه که شهید ثانی در مسالک الافهام بدان اشاره نموده و آورده است: «جایز است که مولفه القلوب از مسلمانان باشند به این صورت که یا جزء کسانی باشند که در بین مشرکین همانند آنها وجود داشته و در هنگام اعطاء چیزی به آنان، مشرکین هم برای بدست آوردن مال به اسلام ترغیب شوند، و یا کسانی باشند که نیاتشان در دین ضعیف است و با اعطاء مال نسبت به تقویت نیتشان امید پیدا شود، و یا جزء کسانی باشند که در اطراف و مرزهای بلاد اسلام زندگی می‌کنند و با دادن مال به آنان مانع ورود کفار به داخل می‌شوند و یا اینکه موجب رغبت آنان به اسلام می‌شوند و یا اینکه در مجاورت آنان قومی زندگی می‌کنند که بر آنها زکات واجب است، پس هنگامی که از این سهم به آنان داده شود امام از فرستادن عامل زکات بی نیاز می‌گردد» (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۴۱۴-۴۱۳).

حال اگر به شرایط کنونی کشورهای اسلامی منطقه که درگیر جنگ می‌باشند توجه کنیم، بدون تأمل آنان را از مهم‌ترین موارد مصرف این سهم قلمداد خواهیم نمود. باید در نظر داشت که بر اساس این دلیل حکومت اسلامی این حق را دارد که سایر مسلمانان را نیز با کمک‌های مالی تقویت نماید؛ یعنی این دلیل اعم از مدعاست



و هم شامل کمک در زمان جنگ می‌شود و هم در غیر آن؛ یعنی اصل جواز کمک‌های مالی را ثابت می‌کند؛ زیرا بر حکومت واجب است که زکات را در موارد آن به مصرف رساند و مصارف زکات متعدد است و مهم مصرف زکات در موارد آن است بدون اینکه در مصرفی خاص معین باشد؛ یعنی حتی تمامی زکات را می‌توان در یکی از مصارف آن صرف نمود و لازم نیست به همه اصناف، قسمتی از زکات داده شود (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۵۵)، اما با انضمام حکم عقلی و شرعی و جوب تقدم اهم بر مهم، می‌توان ادعا کرد که در این زمان که حفظ اسلام و مسلمانان منوط به وجود چنین کمک‌هایی است، پرداخت زکات به مسلمانان در حال جنگ ضرورت بیشتری دارد؛ بنابراین کمک به کشورهای مظلوم مسلمان از مصارف زکات بوده و جایز خواهد بود.

#### ۴-۴. لزوم حمایت مالی از باب سبیل الله در زکات

دیگر از مواردی که می‌توان آن را دلیلی بر حمایت مالی از حکومت‌های اسلامی منطقه بر شمرد، سهم سبیل الله است که خداوند آن را یکی از اصناف مستحقین زکات بر شمرده است. بین فقهای امامیه اختلاف وجود دارد که آیا مراد از سبیل الله، تنها استفاده از زکات در راه جنگ با دشمنان است و یا اینکه مراد امری اعم است. با تتبع در آراء فقها می‌توان گفت که در مسئله سه قول وجود دارد:

**قول اول:** مراد از آن جهاد فی سبیل الله است. (طوسی، ۱۴۰۰: ۱۸۴؛ مفید، ۱۴۱۳: ۳۹؛ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲: ۶)؛

**قول دوم:** مراد از آن همه مصالح مسلمانان است که نفع آن به جامعه اسلامی می‌رسد (طوسی، ۱۳۷۵: ۲۸۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۱۵۰؛ حلی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۳۵۰؛ خمینی، بی‌تا، ج ۱: ۳۳۸؛ روحانی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳۰۴؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۲۴: ۱۱۲)؛

**قول سوم:** مراد از آن هر وسیله‌ای است که ما را به تحصیل رضای الهی می‌رساند. بنابراین هر عمل قربی را که امید ثواب آن می‌رود شامل می‌شود. زیرا سبیل به معنای طریق و راه است و هنگامی که به کلمه «الله» اضافه شود عبارت

می‌شود از هر آن چیزی که برای تحصیل رضا و ثواب الهی به منزله یک وسیله محسوب می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۵: ۳۶۸).

بنابراین اگر مراد از سبیل الله، تنها جهاد باشد، کمک‌های مالی حکومت تنها باید در راه جهاد با دشمنان اسلام مصرف گردد، در غیر این صورت این کمک‌های مالی می‌تواند در وجوه دیگری نیز مصرف گردد. با این تفاوت که بنا بر قول سوم، زکات را می‌توان در مخارج شخصی، نظیر کمک به ازدواج جوانان نیز مصرف نمود؛ پس وقتی مصرف آن در امور جزئی جایز است مصرف آن در مصالح عام به طریق اولی جایز خواهد بود.

#### ۴-۵. قاعده «بیت‌المال المسلمین معد للمصالح العامه»

بیت‌المال به مکانی گفته می‌شود که اموال عمومی متعلق به تمامی مسلمانان در آنجا نگهداری می‌شود. البته این عنوان بر خود اموال نیز استعمال می‌شود. منابع بیت‌المال بر دو نوع است؛ دسته‌ای از منابع هستند که در شرع، مصرف خاصی برای آن معین شده است و دسته دوم منابعی هستند که مصارف خاصی برای آن مشخص نشده است. منابع دسته دوم نیز خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: قسم اول منابعی هستند که به لحاظ منصب رسالت یا امامت، ملک پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) یا ائمه (علیهم‌السلام) است و عبارت می‌باشند از: انفال و سهم امام از خمس. قسم دوم منابعی هستند که متعلق به همه مسلمانان است مانند: خراج، مقاسمه و ... (جمعی از پژوهشگران زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶، ج ۲: ۱۵۶-۱۵۵). با توجه به این مقدمه می‌گوییم فقها در مورد دسته دوم معتقدند که می‌توان این منابع را در مصالح عمومی مسلمانان خرج نمود و مورد معینی برای آن وجود ندارد (آشتیانی، ۱۳۶۹: ۲۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱: ۱۵۷) بنابراین می‌توان از عبارات فقها قاعده‌ای را باعنوان «بیت‌المال المسلمین معد للمصالح العامه» استفاده نمود. حال می‌گوییم از آنجا که کشورهای اسلامی منطقه با یک خطر جدی مواجه بوده، به گونه‌ای که اساس و موجودیت اسلام مورد خدشه قرار گرفته است، بنابراین، حمایت مالی از آنان به عنوان یک مصلحت عمومی، امری واجب است، بنابراین می‌توان از بیت‌المال مسلمانان - که هم اکنون منطبق بر نهاد بودجه در کشور است - به آنان کمک نمود.

#### ۴-۶. ادله وجوب اهتمام به امور مسلمانان

یکی از اموری که می‌توان آن را به عنوان دلیلی بر اثبات حمایت همه جانبه (نظامی، سیاسی، مالی، فکری) از حکومت‌های اسلامی برشمرد وجوب اهتمام به امور مسلمین است. شارع مقدس از مسلمانان می‌خواهد نسبت به امور یکدیگر کوشا بوده و درصدد کمک به دیگر مسلمانان برآیند، تفاوت این امر با اصل حمایت از مظلوم، در دو نکته است: یکی آنکه اختصاص به مظلومین و ستم دیدگان ندارد بلکه اعم از آن است و دیگر اینکه مختص به مسلمانان است و از این جهت اخص از اصل حمایت از مظلومین می‌باشد؛ بدین‌رو این دلیل از یک جهت اعم و از یک جهت اخص از دلیل مذکور است و میانشان عموم و خصوص من وجه برقرار است.

اگرچه این امر با توجه به آموزه‌های فراوان اسلامی در این باره بی‌نیاز از استدلال می‌نماید ولی به عنوان نمونه می‌توان روایت سکونی از امام صادق (علیه‌السلام) را یکی از ادله اثبات وجوب اهتمام به امور مسلمین دانست.

ایشان از پدرانشان از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل می‌کنند: هرکس فریاد مردی را بشنود که می‌گوید ای مسلمین به فریادم برسید و با این حال او را کمک نکند او مسلمان نیست (طوسی، ۱۴۰۷ ب، ج ۶: ۱۷۵). در روایت دیگری آمده است: هر کس صبح کند در حالی که به امور مسلمانان اهتمام نداشته باشد، مسلمان نیست (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۳۶). وقتی در اینگونه روایات مسلمان بودن از کسی که اهتمام به امور مسلمانان دیگر ندارد، سلب می‌شود، می‌توان به اهمیت اهتمام به امور آنان و کمک به ایشان، پی برد. در حقیقت این ادله حتی مواردی که مسلمانی در امری کم اهمیت داد خواهی می‌کند و کمک می‌خواهد را شامل می‌شود و در صورتی که کسی توان به کمک داشته باشد و این کار را نکند، از مسلمان بودن خارج می‌داند؛ بنابراین می‌توان گفت وقتی که عده‌ای از مسلمانان در شرایطی بسر می‌برند که زندگی آنان به مخاطره افتاده و دشمنان به کوچک و بزرگ ایشان رحم نکرده و وحشیانه آنان را ذبح کرده و می‌سوزانند، به طریق اولی مشمول این روایت بوده و کمک‌رسانی به ایشان، واجب خواهد بود.

در کنار این روایات که به صراحت سخن از لزوم اهتمام به امور مسلمانان به میان آورده است، آیات قرآن نیز بر لزوم یاری و تعاون بر امور نیک تأکید کرده است که یکی از این آیات، آیه ۲ سوره مبارکه مائده است که می‌فرماید: «... و تعاونوا علی البر و التقوی ...». بر این اساس، کمک به مسلمانان می‌تواند مصداق اتم تعاون بر امر نیک باشد.

#### ۴-۷. قاعده تعظیم شعائر و محترمت

منظور از محترمت در این قاعده، مقدسات شریعت اسلام، نشانه‌های دین، مجعولات شرع و هر آن چیزی است که شارع به احترام گذاشتن و تعظیم آن امر نموده است (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۵، ج ۱: ۱۴۸). این قاعده از قواعدی است که اگرچه قریب به اتفاق فقها از آن به صورت جداگانه و مجزا بحث نموده‌اند، لکن همگی در جای جای کتب خود از آن استفاده نموده‌اند (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۵، ج ۱: ۱۴۷). با این توضیحات ذکر ادله این قاعده و بررسی آنها ضروری به نظر نمی‌رسد چرا که علاوه بر آیات، روایات و حکم عقل، فقها به اجماع نیز تمسک نموده‌اند (نراقی، ۱۴۱۷: ۳۱). اما نکته‌ای که باید در اینجا مورد بحث قرار بگیرد شناسایی مصادیق این قاعده است. به عبارت دیگر باید بحث نمود که چه امری جزء مقدسات دین و شعائر محسوب می‌شود.

از آنجا که عرف و سیره مسلمانان، جان، مال، ناموس و سرزمین‌های مؤمنان را از محترمت برمی‌شمرد؛ بدین‌رو طبق این قاعده، تعظیم و احترام به آنها بر همه واجب است به گونه‌ای که اگر مورد تعرض قرار گیرند، بر حکومت اسلامی واجب است که به دفاع از آنها پرداخته و در جهت حفظ آن برآید. دفاع نیز منحصر در امر جهاد نیست بلکه هرگونه مساعدتی را شامل می‌شود. اگرچه برترین مصداق آن جهاد و حمایت نظامی از کشور مورد تجاوز است.

#### ۴-۸. قاعده نفی سبیل

یکی از قواعد فقهی معروف، قاعده نفی سبیل است. مفاد قاعده مذکور این است که در شریعت اسلامی هیچ حکمی که موجب تسلط کافر بر مؤمن و علو او شود، جعل نگردیده است (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶: ۳۴۳-۳۴۲). مستند اصلی این قاعده آیه ۱۴۱

سوره مبارکه نساء است که خداوند در آن می‌فرماید: «... و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا»؛ خداوند هیچ گونه سبیل و تسلطی را برای کافریں علیه مؤمنین جعل ننموده است.

آیه به روشنی دلالت دارد که اسلام، تسلط کفار بر مسلمانان را نمی‌پذیرد و خواهان بسته شدن تمامی راه‌های چنین سلطه ایست. و اگر اشکال شود که با توجه به سیاقی که این آیه در آن قرار گرفته، آیه مختص به عدم تسلط کفار بر مسلمانان در روز قیامت است به گونه‌ای که آنان هیچ حجتی در برابر مؤمنین ندارند، در پاسخ می‌توان گفت درست است که این معنا از آیه برداشت می‌شود، ولی هیچ منافاتی ندارد که آیه بر این امر دلالت داشته باشد که هیچ حکمی از جانب شرع که موجب تسلط بر مؤمنان شود تشریح نشده است؛ (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱: ۳۵۲) زیرا شکی نیست که ظاهر، در مقام تشریح بودن آیه است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۱۸۸). علاوه بر این در روایتی آمده است که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: «الاسلام يعلو ولا يعلى عليه» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴: ۳۳۴)؛ اسلام برتری دارد و هیچ چیز بر آن برتری نمی‌یابد. این روایت نیز دلالت دارد اسلام تسلط هیچ کافری بر مسلمانان را نمی‌پذیرد. و اگر اشکال شود که در این روایت برتری اسلام مطرح شده است نه برتری مسلمانان، پاسخش آن است که آیه در مقام بیان حکم شرعی است و شاهد بر این مطلب عبارت «لايحجبون ولايرثون» است که در ادامه این روایت آمده است و مراد از آن ارث نبردن و نیز مانع ارث نشدن کافران در برابر خویشاوندان مسلمان متوفی است. بنابراین، برتری مسلمانان از آیه شریفه قابل استفاده است. علاوه بر آنکه اگر مسلمانان خوار و ذلیل گردند، اسلامی باقی نمی‌ماند تا بخواهد برتر باشد و به نوعی برتری اسلام با برتری مسلمانان تلازم دارد.

علاوه بر این دو دلیل، ادله دیگری نیز در کتب فقها ذکر شده است که از ذکر آن صرف نظر می‌کنیم (ر.ک: القواعد الفقهية: ۲۴۲-۲۳۳؛ و نیز فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶: ۲۳۳-۲۴۲). با این توضیحات از آنجا که حمایت نکردن حکومت اسلامی از کشورهای اسلامی منطقه، راه را بر تسلط کفار بر مسلمانان می‌گشاید - در حالی که طبق این قاعده هرگونه تسلطی نفی شده است - بر حکومت اسلامی است که در

صدد حمایت از آنان برآید تا مانع از چنین تسلطی گردد. این حمایت نیز می‌تواند در تمامی عرصه‌ها اعم از نظامی و مالی جریان داشته باشد.

تنها اشکالی که باقی می‌ماند این است که آیه هرگونه تسلط کفار بر مؤمنین را نفی نموده است و حال اینکه می‌دانیم کشورهای اسلامی اگرچه که معتقد به اسلام هستند اما ممکن است مذهب آنان با مذهب ما تفاوت داشته باشد. اما پاسخ این است که به قرینه مقابله‌ای که در آیه آمده و در برابر مؤمنان از کافران یاد کرده است، چنین بر می‌آید که مراد همه مسلمانان می‌باشد، چرا که در برابر کافر، مسلمان قرار دارد نه تنها مؤمن. بنابراین نتیجه این است که مراد از آن خصوص شیعیان نمی‌باشد بلکه اعم از آن مراد است که مطلق مسلمانان باشد (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶: ۲۵۳). علاوه بر آن «مؤمن» و خطاب «یا ایها الذین آمنوا» در قرآن متوجه مسلمانان است نه فقط خصوص شیعیان.

### ۵. بحث و نتیجه‌گیری

اگرچه مرزهای جغرافیایی موجب جدا شدن مسلمانان از یکدیگر و در نتیجه تشکیل دولت‌های اسلامی متعدد شده است، لکن اگر به آموزه‌های اسلام مراجعه کنیم، در خواهیم یافت که اثبات تئوری آرمانی «مرز عقیدتی نه مرز جغرافیایی» امری ممکن است. به همین سبب می‌توان گفت حمایت حکومت اسلامی از کشورهای اسلامی منطقه مطابق با قواعد فقه اسلامی است. اصل حمایت از مظلوم و ادله‌ای که دلالت بر وجوب حفظ بیضه و کیان اسلام می‌کند، هر دو نشان از آن دارند که حکومت اسلامی می‌تواند - بلکه باید - در جهت حمایت نظامی از کشورهای اسلامی منطقه قدم بردارد. همچنین باید گفت حمایت‌های مالی نیز ضروری است زیرا از طرفی اصل تالیف قلوب طبق نظر مشهور فقها اختصاص به زمان حضور ائمه (علیهم‌السلام) نداشته و از طرف دیگر با دقت در کلام فقها و اخبار و با توجه به معقد اجماع و عمومیت آیه، می‌توان گفت این سهم اختصاص به کافرین ندارد؛ بلکه مسلمانان را نیز شامل می‌شود و در صدق عنوان مؤلفه القلوب بر مسلمانان منطقه نیز شکی وجود ندارد. در مورد سهم سبیل‌الله از زکات نیز می‌گوییم اگرچه قول تعدادی از فقهای متقدم بر اختصاص مصرف آن در راه جهاد است، لکن ادله پنجگانه این قول همگی مخدوش

است و از طرف دیگر روایاتی وجود دارد که نشان می‌دهد این سهم را می‌توان در اعم از جهاد و در راه مصالح عمومی مسلمین به مصرف رسانید. قاعده «بیت‌المال المسلمین معد للمصالح العامه» نیز بر استفاده بودجه کشور در جهت حمایت از کشورهای اسلامی منطقه دلالت می‌نماید.

قطع نظر از این دو دسته از ادله، ادله دیگری نیز یافت می‌شوند که دلالت بر مطلق حمایت - اعم از نظامی یا مالی - دارند. چرا که از طرفی در روایات به مواردی بر می‌خوریم که اهتمام به امور مسلمین را واجب می‌شمارد. از طرف دیگر از آنجا که عرف جان، مال، ناموس و سرزمین‌های مؤمنان را از محترمت برمی‌شمرد، لذا این موارد تحت شمول قاعده تعظیم شعائر و محترمت قرار می‌گیرد. قاعده نفی سبیل نیز به نحو دیگری حمایت از کشورهای اسلامی را در حق ما ضروری می‌داند، زیرا عدم حمایت موجب تسلط و سیطره کافران بر مسلمین می‌گردد در حالی که طبق این قاعده، هرگونه از تسلط بر مسلمانان در اسلام نفی شده است.

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم (با ترجمه ناصر مکارم شیرازی)  
ابن حمزه طوسی، محمد بن علی (۱۴۰۸). **الوسيلة إلى نيل الفضيله**، چاپ اول، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ایزدی، بیژن (۱۳۷۷). **درآمدی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، چاپ دوم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). **تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه**، گروه پژوهش مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- خمینی، سید روح الله (۱۴۱۰). **الرسائل**، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- خمینی، سید روح الله (بی تا). **تحریر الوسیله**، چاپ اول: قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم.
- خویی، سید ابوالقاسم (بی تا). **معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرجال**، بی جا.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸). **موسوعه الإمام الخوئی**، پژوهشگران مؤسسه احیاء آثار آیت الله العظمی خویی، چاپ اول، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، چاپ اول، تهران: سمت.
- روحانی، سید محمد (۱۴۱۸). **المرتقی إلى الفقه الأرقی - کتاب الزکاه**، چاپ اول، تهران: مؤسسه الجلیل للتحقیقات الثقافیه (دارالجلی).
- سبزواری، سید عبدالأعلى (۱۴۱۳). **مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام**، چاپ چهارم، قم: مؤسسه المنار.
- سبزواری، محمد باقر (۱۲۴۷). **ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد**، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- سریع القلم، محمود (۱۳۷۵). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازنگری و پارادایم ائتلاف**، چاپ اول، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- سیدرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴). **نهج البلاغه**، عزیز الله عطاردی، چاپ اول، قم: مؤسسه نهج البلاغه.
- سیفی مازندرانی، علی اکبر (۱۴۲۵). **مبانی الفقه الفعال فی القواعد الفقهیه الأساسیه**، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.



- شهید اول، محمدبن مکی(۱۴۱۷). **الدروس الشرعیه فی فقه الإمامیه**، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- شهید ثانی، زین‌الدین(۱۴۱۳). **مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام**، چاپ اول، قم: گروه پژوهش مؤسسه معارف اسلامی، مؤسسه المعارف الإسلامیه قم.
- صدوق، محمدبن علی بن بابویه(۱۴۱۳). **من لایحضره الفقیه**، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم.
- طوسی، محمدبن حسن(۱۳۷۵). **الاقتصاد الیهادی إلى طریق الرشاد**، چاپ اول، تهران: انتشارات کتابخانه جامع چهل‌ستون.
- طوسی، محمدبن حسن(۱۳۸۷). **المبسوط فی فقه الإمامیه**، سیدمحمدتقی کشفی، چاپ سوم، تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
- طوسی، محمدبن حسن(۱۴۰۰). **النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی**، چاپ دوم، بیروت: دارالکتاب العربی.
- طوسی، محمدبن حسن(۱۴۰۷- الف). **الخلافا**، علی خراسانی و دیگران، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمدبن حسن(۱۴۰۷- ب). **تهذیب الأحکام**، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- طوسی، محمدبن حسن(بی تا). **التبیان فی تفسیر القرآن**، احمد قصیر عاملی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- عاملی، محمدبن علی موسوی(۱۴۱۱). **مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام**، چاپ اول، قم: گروه پژوهش مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام)، مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام).
- عمید زنجانی، عباس علی(۱۳۸۷). **کلیات حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، چاپ سوم، تهران: مجد.
- عمید زنجانی، عباس علی(۱۴۲۱). **فقه سیاسی**، چاپ چهارم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فاضل لنکرانی، محمد(۱۳۷۷). **سیری کامل در اصول فقه**، قم: فیضیه.
- فاضل لنکرانی، محمد(۱۴۱۶). **القواعد الفقهیه**، چاپ اول، قم: چاپخانه مهر.
- محقق حلی، جعفر بن حسن(۱۴۰۸). **شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، عبدالحسین محمدعلی بقال، چاپ دوم، مؤسسه اسماعیلیان، قم.
- مفید، محمدبن محمد(۱۴۱۳- الف). **المقنعه**، چاپ اول، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- مفید، محمد بن محمد(۱۴۱۳- ب). **الإشراف فی عامه فرائض أهل الإسلام**، مهدی نجف، چاپ اول، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.

- موسوی بجنوردی، سیدحسن (۱۴۱۹). **القواعد الفقهیه، مهدی مهریزی و محمدحسن درایتی،** چاپ اول، قم: نشر الهادی.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد (۱۴۰۱). **قواعد فقهیه،** چاپ سوم، تهران: مؤسسه عروج.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۷۶). **فوائد الأصول،** محمدعلی کاظمی خراسانی، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام،** عباس قوچانی و علی آخوندی، چاپ هفتم، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- نراقی (۱۴۱۷). **عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام،** چاپ اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- نراقی، مولی احمد (۱۴۱۵). **مستند الشیعه فی أحكام الشریعه،** گروه پژوهش مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).

